

نویسنده: م.ک. بها دراکمار «M.K.Bhadrakumar» .
منبع و تاریخ نشر: نیوز کلیک «2022-05-02» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

افغانستان آماده جنگ جدید است

Afghanistan Braces for New War

یک ژنرال سابق ارتش افغانستان، **سمیع سادات**، در حال بازگشت به کشور خود به عنوان مورد علاقه غرب بخاطر احراز مقام رهبری یک جنبش "مقاومت" پان افغانی علیه حکومت طالبان است.

A former Afghan army general, Sami Sadat, is returning home as the West's favourite to don the mantle of leading a pan-Afghan "resistance" movement against Taliban rule.



غروب خورشید در کابل، افغانستان (عکس فایل)

اخیراً در رسانه‌ها در مورد شورش ضد ویا مخالف طالبان که در سعی و تلاش است تا در افغانستان پا گیرد ویا که متولد شود، سروصدا وجود دارد. یک ژنرال سابق ارتش افغانستان، **سمیع سادات**، به عنوان محبوب غرب برای پوشیدن ردای ویا قبای رهبری جنبش "مقاومت" پان افغانی علیه حکومت سرکوبگر طالبان به کشور باز می‌گردد.

درگیری های داخلی زیادی بین نخبگان به حاشیه رانده شده افغان، غیرنظامی و نظامی وجود دارد. ظاهراً قدرت های غربی در تلاش هستند تا آنها را پشت سر سادات جمع کنند. به نظر می رسد یک محور بین **سادات** و **رهبر پنجشیر**، **احمد مسعود**، گزینه مطلوب برای **MI6** و استخبارات ایالات متحده باشد. **سادات** و **مسعود** هر دو محصول **کینگزکالج لندن** هستند که بعنوان مرکز استخدام «**MI6**» و آکادمی های نظامی بریتانیا شناخته می شود.

قدرت های غربی با حمایت سازمان ملل و اتحادیه اروپا در ماه های اخیر تلاش قاطعانه ای انجام دادند تا با پیشنهاد های اغواکننده کمک مالی، کاهش تحریم های سازمان ملل و غیره، رهبران طالبان را همراهی کنند. البته در موقعیتی برای تخریب نقد ینگی به اقتصاد افغانستان. پس از اینکه آمریکا بی همتا آنها را گرفتند، افغانستان پولی ندارد.

اما طالبان با توجه به سوء ظن عمیق شان در مورد دنیا ت آمریکا و رویکرد مداخله گرانه غرب برای تجویز هنجار های حکومت داری که با ایدئولوژی اسلام گرایانه بیگانه است، این طعمه را نپذیرفتند. پس از پیروزی در جنگ 20 ساله علیه ایالات متحده، طالبان دلیلی نمی بینند که چرا باید به نقش فرعی بسنده کند.

طالبان همکاری با کشورهای منطقه، به ویژه **چین** و **روسیه** را که از استثناگرایی و دیپلماسی اجباری واشنگتن دوری می کنند، بسیار مطلوب تر یافته اند. کشورهای منطقه اخلاق و سنت های افغانی را همان طور که هستند می پذیرند و بیهودگی و اداری کردن طالبان به حکومت با ارزش های غربی را درک می کنند. اولویت کشورهای منطقه در حوزه امنیتی است که در آن از طالبان انتظار دارند گروه های افراطی را مهار کنند و قاچاق مواد مخدر را از بین ببرند. در واقع، چنین رویکردی می تواند سازنده باشد. در 3 آوریل، طالبان کشت خشخاش را ممنوع اعلام کردند که یک مسئله بزرگ برای کشورهای منطقه است.

این تفکر انسانی در بیانیه روز جمعه **سرگئی لاوروف**، وزیر امور خارجه **روسیه** منعکس می شود که در آن وی از وضعیت نظامی-سیاسی در افغانستان تحت رهبری طالبان "به طور نسبی با ثبات شده است." **لاوروف** «تلاش های رهبری جدید برای بازگشت به زندگی مسالمت آمیز پس از یک درگیری مسلحانه طولانی، برای از سرگیری عملکرد عادی اقتصاد ملی و همچنین تضمین قانون و نظم و امنیت» را مورد توجه قرار داد. **لاوروف** گفت که **مسکو** از اینکه سطح همکاری در حال افزایش است و نگرش طالبان "نمونه" است راضی است. **پکن** با رویکرد **مسکو** همدلی دارد. کافی است که بگوییم، **روسیه** و **چین** به طور پیوسته در حال پیشبرد تعامل دیپلماتیک خود با رژیم طالبان هستند. قدرت های غربی احساس می کنند که فضا و ظرفیت آنها برای قلدری طالبان به سرعت در حال کاهش است. بالاخره «به رسمیت شناختن بین المللی» چیست؟ هیچ دستور العمل جهانی وجود ندارد. اگر رژیم توسط جمعیت کشور به رسمیت شناخته شود، اگر هیچ مدعی رقیب برای قدرت وجود نداشته باشد، و اگر بتواند به طور مستقل

حکومت را اداره کند، به عنوان دولت قانونی دولت واجد شرایط می شود. عادت زنا نه. شکی نیست که رژیم طالبان نمره را می دهد. در حالی که طالبان برای ایفای نقش به عنوان دولت نیازی به تصمیم جامعه بین المللی ندارد، به رسمیت شناختن رسمی برای برقراری روابط دیپلماتیک با سایر کشورها مفید و ضروری است.

بدیهی است که هدف فوری شورش عجولانه غرب در افغانستان در این مرحله ایجاد نقطه مقابل قدرت با این دیدگاه است که طالبان تنها نیرویی در افغانستان نیست که قادر به اداره امور کشور است. شورش پیشنهادی در ماه مه در واقع یک بالون آزمایشی است تا ببینیم تا کجا پرواز خواهد کرد. **سادات** به بی بی سی گفت که امیدوار است "طالبان میانه رو" را نیز جذب کند - یعنی Mi6 و سیا؛ طالبان را تجزیه خواهند کرد. در پس زمینه رویارویی غرب با روسیه و چین، اهمیت حیاتی افغانستان به عنوان یک مرکز منطقه ای ژئواستراتژی بدیهی است. گزارش اخیر **نور نیوز**، وابسته به شورای عالی امنیت ملی ایران، فاش کرد که «داو طلبانی» از نیروهای نظامی و امنیتی سابق افغانستان که توسط کارشناسان آمریکایی و انگلیسی آموزش دیده بودند، برای مبارزه با نیروهای روسی به اوکراین اعزام شده اند. می توان تصور کرد که این «داوطلبان» همزمان **سادات** هستند.

سادات به بی بی سی گفت که مقاومت اوکراین در برابر روسیه را تحسین می کند! و اشاره کرد که با نیروهای اوکراینی در تماس است. "من فکر می کنم آنها (نیروهای اوکراینی) به خوبی مواضع خود را حفظ می کنند. اما من همچنین به آنها می گویم که، می دانید، بیشتر به خودشان ایمان داشته باشند... امیدوارم تا زمانی که به آن نیاز دارند، از حمایت (غربی) مستمر برخوردار شوند." با این همه، جهان کوچکی است! مطمئناً **روسیه** و **چین** (و ایران) با پروژه غرب برای بازگشت به افغانستان مقابله خواهند کرد. رئیس جمهور **پوتین** روز جمعه یک کنفرانس ویدئویی با اعضای دائمی شورای امنیت روسیه برگزار کرد تا درباره موضوعاتی که از نقطه نظر امنیت ملی بسیار مورد توجه است... در رابطه با رویدادهای افغانستان و به طور کلی در آن منطقه، در آن بخش بحث کند. حملات هدفمند به شیعیان در افغانستان و تلاش های اخیر برای ایجاد سوء تفاهم بین ایران و افغانستان در سطح مردم در تهران به عنوان توطئه ای از سوی قدرت های خارجی برای تیره کردن روابط ایران با دولت طالبان تلقی می شود.

بدون شک، سفر منطقه ای **ژنرال وی فنگه**، وزیر دفاع **چین** از قزاقستان، ترکمنستان و ایران در هفته گذشته نیز بر پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم تحولات **اوکراین** بر روابط امنیتی در آسیای مرکزی تأثیرگذار بود. **ژنرال چینی** در دیدار خود با رئیس جمهور قزاقستان، «**قاسم جومارت توکایف**» «خواستار هوشیاری در مورد دخالت برخی از قدرت های بزرگ در آسیای مرکزی برای برهم زدن و تضعیف امنیت منطقه شد» (خوانش وزارت دفاع چین).

این ژنرال به **سردار بردی محمداف** رئیس جمهور ترکمنستان گفت که چین "قاطعانه با

دخالت خارجی در امور داخلی ترکمنستان مخالف است. ژنرال در دیدار با **ابراهیم** رئیس‌جمهور در تهران بر آمادگی **چین** برای همکاری با **ایران** برای مقابله با خطرات و چالش‌های مختلف، حفظ منافع مشترک دو طرف و حفظ مشترک صلح و ثبات منطقه و جهان تاکید کرد.

با این حال، در پایان روز، این نقش پاکستان است که حیاتی خواهد بود. معادلات پاکستان با طالبان پس از جایگزینی ناگهانی **ژنرال فیض حمید**، رئیس **آی اس آی** در ماه سپتامبر توسط **ژنرال باجوا**، به شدت تغییر کرده است. سرنگونی **عمران خان**، نخست‌وزیر، معادلات پاکستان و طالبان را پیچیده تر کرد.

موضع سنتی طالبان در **خط دیورند**؛ بی میلی آن برای سرکوب طالبان پاکستانی؛ افزایش خشونت‌های تروریستی در پاکستان؛ بی‌زاری از ایدئولوژی طالبان در میان نخبگان غرب زده پاکستان – همه اینها اعتماد متقابل بین پاکستان و طالبان را از بین برده است.

علاوه بر این، قدرت‌های غربی و طالبان دیگر نیازی به پاکستان به عنوان میانبر ندارند. با این حال، بی‌تفاوتی نیز برای اسلام‌آباد یک گزینه نیست. بدون شک، اگر جنبش مقاومت ضد طالبان حرکت کند، پاکستان ضربه سختی خواهد خورد. اگر استخبارات غربی موفق شود طالبان را از هم جدا کند، قطعاً سرریز خواهد شد. شرایط هرج و مرج در افغانستان تنها می‌تواند به نفع نیروهای خارجی برای بی‌ثبات کردن امنیت داخلی پاکستان باشد.

در همین حال، تغییر رژیم تحت حمایت ایالات متحده در پاکستان کمکی به امور نمی‌کند. هر چه زودتر انتخابات به صورت عادلانه و آزاد برگزار شود و دولت جدید با اختیارات جدید انتخاب شود، برای پاکستان بهتر خواهد بود. اما بخش خوب این است که هیچ‌کس قرار نیست پاکستان را به خاطر احیای جنگ سالاری در افغانستان سرزنش کند.

سادات به یک مرد بسیار خشن شهرت دارد که مأموریت او در هلمند بسیار حیوانی بود. در زندگی واقعی، **سادات** سمت نظامی خود را داشت و در عین حال به عنوان C.E.O ثروتمند شد. از شرکت **Blue Sea Logistics**، یک شرکت مستقر در کابل که همه چیز را از قطعات هلیکوپتر گرفته تا خودروهای زرهی تاکتیکی را به نیروهای امنیتی افغان می‌رساند.

آناند گوپال، نویسنده و خبرنگار مشهور جنگی، در مقاله‌ای دلخراش در مجله **نیویورکر** در سال گذشته با عنوان زنان دیگر افغان، نکاتی را درباره **جنرال سادات** بازگو کرد. چند گزیده در اینجا: «در طول سفر من به هلمند، بلک هاک‌های تحت فرمان او (سادات) تقریباً هر روز دست به قتل عام می‌زدند: دوازده افغان در حین جمع کردن ضایعات فلزی در یک پایگاه سابق در خارج از سنگین کشته شدند. چهل نفر در یک حادثه تقریباً مشابه در کمپ متروکه **ولید** ارتش کشته شدند. بیست نفر که بیشتر آنها زن و کودک بودند در حملات هوایی به بازار گرشک کشته شدند... (سادات از

درخواست های مکرر برای اظهار نظر خودداری کرد).
هنگامی که **سادات** در 15 اوت 2021 از هلمند به کابل رسید تا مأموریت جدید خود را به عنوان فرمانده نیروهای به اصطلاح "ویژه" به عهده بگیرد، دید که طالبان از قبل در دروازه های شهر هستند. و او یکی از اولین افرادی بود که از افغانستان به بریتانیا فرار کرد.

وقتی **سادات** اکنون برگردد، مردم افغانستان او را تنها به عنوان یک متقلب تلقی خواهند کرد. آنها لایق بهتری هستند. غرب پس از تمام رنج های وصف ناپذیری که در طی 20 سال گذشته از اشغال **ناتو** متحمل شده اند، این را مدیون آنهاست.
حقیقت آشکار این است که طالبان تنها هشت ماه است که بر صندلی رانندگی نشسته اند. محکوم کردن آنها خیلی زود است. هما نطور که **کتی گانون**، دست کهنه کار افغان در AP، روز گذشته گفت: «من فکر می کنم قطعاً تلاشی از جانب آنها (طالبان) برای رسیدن به موقعیتی وجود دارد که واقعاً کشور را اداره می کنند. نحوه رسیدن آنها به آنجا و ظاهر آن هنوز مشخص نیست. و این برای افغان ها واقعاً دشوار است زیرا آنها با این عدم اطمینان دست و پنجه نرم می کنند.

----- **با تقدیم احترامات «2022-05-02»**